

Energy Resource Transfer Projects from the Caspian Sea Basin and Central Asia's Geoeconomic Development, and its Reflection in Geography Education

Mahboobeh Keneshloo, Kiumars Yazdan Panah, Heydar Lotfi Abbas Najafi

1. PhD student in Political Geography, Ga. C., Islamic Azad University, Garmsar, Iran
2. Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran
3. Associate Professor of Political Geography and Tourism, Ga. C., Islamic Azad University, Garmsar, Iran
4. Assistant Professor of Political Geography, Qeshm Institute of Higher Education

ABSTRACT

Keywords: Engagement

energy resources,
Caspian Sea,
geopolitics,
geography education.
1. Corresponding author
 K_yazdanpanah@ut.ac.ir

Background and Objectives:: With the increasing global consumption of oil, the energy resources of the Caspian Sea have attracted growing attention from major international powers such as the United States, Russia, China, Japan, and the European Union. Due to their landlocked nature, Central Asian countries face significant geopolitical constraints in accessing open seas, making the transportation of oil and gas to global markets their most critical challenge. Consequently, reliance on energy transmission pipelines has become an unavoidable necessity. Alongside these geopolitical and geoeconomic dimensions, the study of the energy geography of the Caspian Sea can be employed as an applied topic in geography education, as analyzing the region's location, routes, and spatial constraints contributes to a deeper understanding of key concepts such as spatial connectivity, regional dynamics, and environmental challenges, including the energy crisis. Moreover, examining Iran's position within these processes can highlight, in geography education, the strategic importance of the country's location and its role in resource management and energy security. **Method:** This study adopts a descriptive-analytical approach to examine Iran's position in energy transfer projects in the Caspian Sea region and their role in the geoeconomic development of Central Asia. The research is qualitative in nature, and data were collected from documents and reliable sources. **Finding:** The results indicate that limited waterways and dependence on overland routes have made Central Asian countries reliant on transit corridors through intermediary states. Owing to its outstanding geopolitical position, Iran can play a significant role in connecting these countries to open seas and global energy networks. **Conclusion:** Beyond its geoeconomic significance, this subject has considerable potential for geography education. It can contribute to enhancing spatial literacy, improving understanding of human-environment relationships, and teaching regional challenges such as water and energy crises..

ISSN (Online):

DOI:

Citation (APA): Yazdan Panah, K; Lotfi, H; Najaf, A; Keneshloo, M. (2025). Energy Resource Transfer Projects from the Caspian Sea Basin and Central Asia's Geoeconomic Development, and its Reflection in Geography Education. *The Journal of Research social studies education*, 7(3), 137-160  10.48310/rsse.2026.20184.1286

Received: 2025.07.20 Reviewed: 2025.09.21 Accepted: 2025.10.12 PP: 137-164

طرح‌های انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر و توسعه ژئواکونومیک

آسیای مرکزی و بازتاب آن در آموزش جغرافیا¹

محبوبه کنشلو، کیومرث یزدان پناه درو، حیدر لطفی، عباس نجفی،

1. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

2. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران²3. دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران³

4. استادیار جغرافیای سیاسی، موسسه آموزش عالی قشم

چکیده

پیشینه و اهداف: منابع انرژی دریای خزر با افزایش مصرف جهانی نفت بیش از گذشته مورد توجه قدرت‌های عمده بین‌المللی همچون آمریکا، روسیه، چین، ژاپن و اتحادیه اروپا قرار گرفته است. منطقه آسیای مرکزی به دلیل محصور بودن در خشکی، با محدودیت‌های ژئوپلیتیکی در دسترسی به دریاهای آزاد مواجه است و مهم‌ترین چالش این کشورها انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی است. از این رو، اتکا به خطوط انتقال انرژی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در کنار این جنبه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک، مطالعه جغرافیای انرژی دریای خزر می‌تواند به عنوان یک موضوع کاربردی در «آموزش جغرافیا» مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا تحلیل موقعیت، مسیرها و محدودیت‌های فضایی این منطقه به درک بهتر مفاهیم کلیدی مانند ارتباطات فضایی، پویایی‌های منطقه‌ای و حتی چالش‌های محیطی نظیر بحران انرژی کمک می‌کند. همچنین بررسی جایگاه ایران در این فرایندها می‌تواند در آموزش جغرافیا، اهمیت موقعیت راهبردی کشور و نقش آن در مدیریت منابع و امنیت انرژی را برجسته سازد. **روش:** این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به این پرسش می‌پردازد که ایران در پروژه‌های انتقال انرژی حوزه دریای خزر و توسعه ژئواکونومیک آسیای مرکزی چه جایگاهی دارد. روش تحقیق کیفی بوده و داده‌ها از اسناد و منابع معتبر گردآوری شده است. **یافته‌ها:** نتایج نشان می‌دهد که محدودیت آبراه‌ها و وابستگی به مسیرهای زمینی، کشورهای آسیای مرکزی را نیازمند مسیرهای ترانزیتی از طریق کشورهای واسطه کرده‌است. ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز می‌تواند نقش مهمی در اتصال این کشورها به آب‌های آزاد و شبکه‌های انرژی ایفا کند. **نتیجه‌گیری:** این موضوع علاوه بر اهمیت ژئواکونومیک، ظرفیت بالایی برای آموزش جغرافیا دارد و می‌تواند در ارتقای سواد فضایی، درک روابط انسان-محیط و آموزش چالش‌های منطقه‌ای مانند بحران آب و انرژی مؤثر باشد.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید

DOI:

واژه‌های کلیدی:

منابع انرژی، دریای خزر، ژئوپلیتیک، آموزش جغرافیا،
1. نویسنده مسئول

K_yazdanpanah@ut.ac.ir
✉

تاریخ دریافت 1404.04.29 تاریخ بازنگری: 1404.06.30 تاریخ پذیرش: 1404.07.20 شماره صفحات: 137-159

1. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان: «نقش طرح‌های انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر در توسعه ژئواکونومیک آسیای میانه با تاکید بر موقعیت ایران» است که با راهنمایی آقای دکتر کیومرث یزدان پناه درو، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار انجام گرفته است.

2. نویسنده مسئول K_yazdanpanah@ut.ac.ir

3. d.lotfi.garmsar023@gmail.com

مقدمه

امروزه دانش جغرافیا به‌عنوان پلی میان علوم طبیعی و انسانی شناخته می‌شود؛ دانشی که به‌واسطه ماهیت میان‌رشته‌ای خود قادر است بستری مناسب برای کاوشگری محیطی و اجتماعی در میان فراگیران فراهم آورد. جغرافیا با تکیه بر تحلیل مکان، فضا و رابطه انسان-محیط، نه‌تنها به تفسیر جهان کمک می‌کند بلکه ظرفیت درک فرآیندهای اجتماعی-اقتصادی را در چارچوبی انتقادی افزایش می‌دهد و به فراگیران امکان می‌دهد پیچیدگی‌های محیط پیرامون خود را بهتر بشناسند (Esteves, 2015). به‌ویژه در حوزه جغرافیای سیاسی و جغرافیای انرژی، آموزش جغرافیا می‌تواند نقش مهمی در توسعه سواد فضایی، شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های فضایی کشورها، و فهم پیامدهای ژئوپلیتیکی منابع طبیعی داشته باشد. از همین‌رو بررسی جایگاه ایران در طرح‌های انتقال انرژی حوزه دریای خزر و تحلیل ژئواکونومی آسیای مرکزی، علاوه بر جنبه پژوهشی، یک فرصت آموزشی ارزشمند برای آشنایی فراگیران با اهمیت موقعیت جغرافیایی، رقابت‌های منطقه‌ای، امنیت انرژی و حتی چالش‌های محیطی مانند بحران آب است.

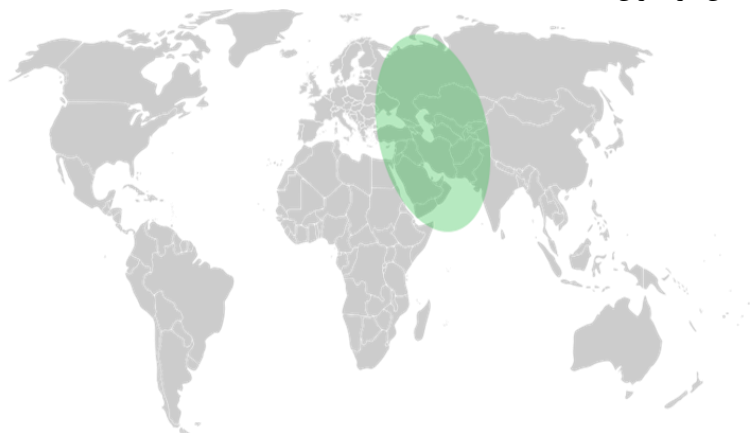
موقعیت جغرافیایی ایران در غرب آسیا جایگاهی ژئوپلیتیک و استراتژیک ویژه به این کشور بخشیده است؛ زیرا در بهترین موقعیت برای ارتباط کشورهای محصور در خشکی حوزه دریای خزر با آب‌های آزاد و انتقال ذخایر انرژی آنان به بیرون قرار دارد. همین موقعیت سبب شده است که رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای انتخاب مسیرهای انتقال انرژی و کسب نفوذ سیاسی در این پهنه همچنان ادامه داشته باشد (شیرازی و مجیدی، 1382).

حوزه دریای خزر، که امروز مرکز ثقل انرژی آسیای مرکزی، قفقاز و بخشی از جهان به شمار می‌رود، در برگیرنده مجموعه‌ای از مسائل حساس شامل رژیم حقوقی، امنیتی، اقتصادی، ژئوپلیتیک و رقابت بر سر تسلط بر منابع نفت و گاز است (جعفری و ملکی، 1399). منابع انرژی این حوزه رقابت شدیدی میان قدرت‌هایی چون روسیه، چین، آمریکا و اتحادیه اروپا ایجاد کرده است (Leroy et al, 2020) و اختلافات پس از فروپاشی شوروی نیز بر شدت رقابت‌های امنیتی و نظامی در منطقه افزوده است (Karimov, & Makili, 2011).

تحولات قرن بیست‌ویکم و افزایش اهمیت عوامل اقتصادی در نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که منطق اقتصادی بیش از گذشته بر منطق سیاسی غلبه یافته است (اسلامی، 1391). در چنین شرایطی، ایران باید با درک درست تحولات، اتخاذ راهبردهای اقتصادی-سیاسی مناسب و بهره‌گیری از مزیت جغرافیایی خود در شبکه انتقال انرژی و همکاری‌های منطقه‌ای نقش‌آفرینی کند. آسیای مرکزی، متشکل از پنج کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان، از مناطق دارای اهمیت روزافزون در روابط بین‌الملل است (کریمی و

عزیزی، 1392) و دریای خزر-با دارا بودن بیش از ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت و ۱۲ تریلیون متر مکعب گاز-پس از خلیج فارس و سیبری، سومین منبع انرژی جهان به شمار می‌رود (جعفری و ملکی، 1399). درک این پیچیدگی‌ها بدون فهم دقیق مبانی جغرافیایی و حقوقی ممکن نیست. قبل از فروپاشی شوروی، تنها ایران و شوروی براساس عهدنامه‌های 1921 و 1940 رژیم حقوقی خزر را تنظیم کرده بودند؛ اما پس از 1991 تعداد کشورهای ساحلی به پنج کشور افزایش یافت و اختلافات حقوقی بر سر تعریف «دریا» یا «دریاچه» بودن خزر آغاز شد (ممتاز، عزیزاده و زرنشان، 1401). این تحولات، بستر رقابت برای دسترسی به منابع و مسیرهای انتقال انرژی را پیچیده‌تر کرده است.

جفری کمپ (1997) نیز با معرفی «بیضی استراتژیک انرژی»، نشان داد که 70٪ ذخایر اثبات‌شده نفت و بیش از 40٪ ذخایر گاز جهان در منطقه‌ای قرار دارد که ایران محور آن است و به همین دلیل این حوزه را «هارتلند جدید جهان» نامید (قالیاف و پوپنده، 1386). در چارچوب آموزش جغرافیا، تحلیل این پویایی‌های فضایی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و مسیرهای انتقال انرژی از دریای خزر به آسیای مرکزی و فراتر از آن، می‌تواند ابزار مهمی برای ارتقای تفکر فضایی، توان تحلیل منطقه‌ای و درک رابطه میان منابع طبیعی، امنیت و توسعه در میان فراگیران باشد.



شکل 1: نقشه بیضی استراتژیک انرژی برگرفته از سایت ([https:// Strategic ellipse.svg](https://Strategicellipse.svg))

دریای خزر پس از خلیج فارس و سیبری یکی از مهم‌ترین ذخایر انرژی جهان است (ساداتیان، 1398). «بیضی انرژی» بخش‌های غربی آسیای مرکزی و سه کشور ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان را در بر می‌گیرد. ذخایر نفتی این حوزه حدود ۲۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده و براساس داده‌های وزارت انرژی آمریکا، تنها جمهوری آذربایجان و قزاقستان بیش از ۱۳۰

میلیارد بشکه نفت دارند؛ رقمی بیش از سه برابر ذخایر نفتی ایالات متحده (International Energy Agency, 2022). این ظرفیت عظیم، توجه قدرتهای بزرگ را به منطقه جلب کرده و رقابت ژئوپلیتیکی و اقتصادی برای کنترل مسیرهای انتقال انرژی را تشدید نموده است.

در برخی تحقیقات پیشین مانند، کامران دستجردی و همکاران (1391) ایران را مناسب‌ترین گزینه انتقال انرژی خزر معرفی می‌کنند، اما چالش‌هایی همچون مخالفت آمریکا مانع تحقق کامل آن شده است. جعفری و جانباز (1395) نیز نشان می‌دهند که به دلیل اهمیت خزر در تولید و انتقال انرژی آسیای مرکزی، کنترل این منطقه همواره بخشی مهم از راهبرد ژئوپلیتیکی غرب بوده است.

باتوجه به اهمیت موضوع و موارد بررسی شده، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش طرح‌های انتقال انرژی حوزه دریای خزر در توسعه ژئواکونومیک آسیای مرکزی با تأکید بر جایگاه ایران و اهمیت تحلیل این فرآیند در آموزش جغرافیا است؛ موضوعی که از یک‌سو در سطح ژئوپلیتیکی و اقتصادی اهمیت دارد و از سوی دیگر می‌تواند در ارتقای سواد فضایی و درک پویایی‌های منطقه‌ای در محیط‌های آموزشی نقش‌آفرین باشد.

روش و محدوده پژوهش

روش انجام این پژوهش کیفی است. روش تحقیق کیفی به دنبال توصیف و تحلیل غیرکمی موقعیت‌ها، فرایندها و پدیده‌های اجتماعی-فضایی است و می‌کوشد معنایی را که کنشگران در شرایط واقعی و طبیعی به رویدادها نسبت می‌دهند، تفسیر کند. این رویکرد بر این فرض استوار است که کنش متقابل اجتماعی و فضایی، کلیتی درهم‌تنیده از روابط و مناسبات است که می‌توان آن را از طریق استقرا و تحلیل تفسیری فهمید.

باتوجه به ماهیت موضوع-که شامل بررسی طرح‌های انتقال انرژی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی، ابعاد ژئواکونومیک و نقش موقعیت جغرافیایی ایران است-استفاده از روش کیفی امکان تحلیل عمیق‌تر اسناد، داده‌های متنی و زمینه‌های سیاسی-فضایی را فراهم می‌آورد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از اسناد، گزارش‌های رسمی، مطالعات پیشین، منابع کتابخانه‌ای و داده‌های معتبر بین‌المللی مربوط به انرژی و جغرافیای منطقه استفاده شده است.

همچنین از آنجا که بخشی از هدف پژوهش، تبیین اهمیت این موضوع در آموزش جغرافیا است، تحلیل‌های فضایی-مفهومی مبتنی بر منابع علمی آموزش جغرافیا نیز در محدوده مطالعه قرار گرفته است. به این ترتیب، روش کیفی امکان پیوند دادن مباحث ژئواکونومیک با ظرفیت‌های آموزشی جغرافیا را فراهم می‌کند و به درک بهتر پویایی‌های منطقه‌ای، فضایی و سیاسی مرتبط با دریای خزر و آسیای مرکزی کمک می‌کند.

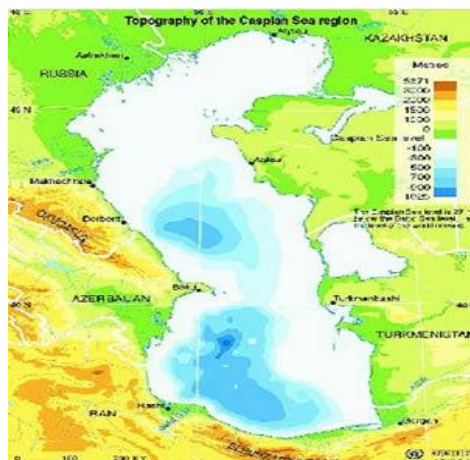
مکان مورد مطالعه

به لحاظ موقعیت جغرافیایی، آسیای مرکزی در حدفاصل اروپا در غرب، آسیا در شرق، روسیه در شمال و جهان اسلام در جنوب قرار گرفته است. کشورهای این منطقه محصور در خشکی هستند و تنها به واسطه خاک کشورهای همجوار به آب‌های آزاد دسترسی دارند (سیفی، 1401). منطقه آسیای مرکزی دومین ذخایر و منابع انرژی دنیا (نفت و گاز) را در اختیار دارد. علاوه بر این، تعداد زیادی از معادن فلزهای کمیاب مثل طلا، مس، اورانیوم و فلزات سنگین در این منطقه واقع شده‌اند. این منطقه در محل برخورد و تقاطع فرهنگ‌های شرق و غرب، از جمله فرهنگ ترکی و اسلامی و از نظر تاریخی در مسیر جاده ابریشم، قرار گرفته است (قالیپاف و پوینده، 1386).

آسیای مرکزی تنها نقطه‌ای از جهان است که چهار قدرت هسته‌ای (یعنی روسیه، چین، هند و پاکستان) را به هم متصل می‌کند (ساداتیان، 1398). این منطقه دارای بازار مصرف 50 میلیون نفری است و وجود گروه‌های قومی و اختلافات ارضی و مرزی متعدد، این منطقه را به منطقه‌ای بی‌ثبات تبدیل نموده است (ابوالحسن شیرازی و مجیدی، 1382) که در شکل 2 نمایش داده شده است.



شکل 2. نقشه موقعیت بین‌المللی و جهانی آسیای مرکزی



شکل 3. نقشه دریای خزر (جان علی اکبری، 1391)

نفت و گاز، انرژی الکتریسیته و زغال‌سنگ به ترتیب مهم‌ترین ذخایر و منابع انرژی ناحیه محسوب می‌شوند. بدیهی است در هر جمهوری نوع انرژی مصرفی با وفور ذخایر و منابع انرژی ارتباط دارد، به‌طوری‌که در ترکمنستان نفت و گاز به همراه برق تولیدی از نیروگاه‌های حرارتی، انرژی موردنیاز را تأمین می‌کنند، در تاجیکستان و قرقیزستان برق حاصل از نیروگاه‌های آبی مهم‌ترین منبع تولید انرژی است. در قزاقستان در کنار زغال‌سنگ، نفت، گاز و برق حاصل از نیروگاه‌های حرارتی و آبی، یک نیروگاه اتمی نیز برای تولید برق احداث شده است. در کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان که شرایط طبیعی مناسب برای تولید الکتریسیته برق آبی وجود دارد، بخشی از تولید به کشورهای همجوار صادر می‌شود (ملکی، 1382).

دریای خزر و ذخایر انرژی

دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان با وسعتی برابر با 371000 کیلومترمربع، دارای 5580 کیلومتر طول و 1225 کیلومتر عمق می‌باشد (Leroy et al., 2020). این دریاچه علی‌رغم اینکه فاقد راه طبیعی به دریاهای آزاد جهان است و تنها از طریق کانال‌های ایجادشده از طریق رود ولگا به دریای سیاه متصل است، به‌عنوان حلقه اتصال آسیا به اروپا و آسیای شمالی به جنوبی پس از جنگ سرد، از یک موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک حساسی برخوردار شده است (Latsabidze, 2020).

آنسی کولبرگ، منطقه دریای خزر را هارتلند نوینی می‌داند که در قرن بیست و یکم به لحاظ ژئوپلیتیک، تأثیر شگرفی در سیاست بین‌الملل برجای خواهد گذاشت (ورزش، اطاعت و نصرتی، 1390). آنچه برجستگی خاصی به ژئوپلیتیک منطقه خزر بخشیده است، وجود منابع انرژی نهفته در آن است که به عواملی چون افزایش وابستگی جهانی به واردات منابع انرژی

هیدروکربنی، دامنه‌دار شدن تنش‌ها در خاورمیانه و نیز ظهور روسیه به‌عنوان یک بازیگر اصلی در سیاست انرژی نفت و گاز دریای خزر و مسیرهای انتقال آن به بازارهای مصرف می‌باشد که بیش‌ازپیش موردتوجه قدرت‌های بزرگ صنعتی قرار گرفته است (Bashirov, 2023).

براساس آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا، مقدار ذخایر نفتی دریای خزر حدود 20 تا 40 میلیارد بشکه و مقدار ذخایر گازی آن حدود 5 تریلیون و 555 میلیارد مترمکعب است؛ ازاین‌رو، منطقه‌خزر حدود 3 درصد از تولیدهای گاز طبیعی جهان را دارد (EIA, 2013). در این میان، روسیه و ایران به ترتیب رتبه‌های اول و دوم جهان و قزاقستان در رتبه ششم جهان در میزان ذخایر گاز طبیعی را دارند (حسینی سادات محله، احمدی‌پور و حافظ‌نیا، 1394).

همچنین براساس آمار شرکت نفت انگلیس در سال 2015، منطقه خزر به‌ترتیب 17/6 درصد و 46/6 درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت منطقه خزر تا دسامبر 2014، 298/6 میلیارد بشکه بوده است که شامل بیش از 17 درصد کل ذخایر نفت جهان است. در این میان، ایران با 53 درصد بیشترین سهم را در ذخایر نفتی منطقه دارد (9/3 درصد از کل ذخایر نفت جهان)، روسیه با 35 درصد (6 درصد از ذخایر نفت جهان)، قزاقستان با 10 درصد (1/8 درصد از ذخایر نفت جهان)، جمهوری آذربایجان 2/3 درصد و ترکمنستان با کمتر از یک درصد در جایگاه بعدی قرار دارند (جعفری و جانباز، 1397).

ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی منطقه خزر هم 86/8 تریلیون مترمکعب برآورد شده که در این میان ایران با 39 درصد و روسیه با 38 درصد (به‌ترتیب 18/2 درصد و 17/4 درصد از کل ذخایر جهانی)، بیشترین سهم را از کل ذخایر گاز منطقه‌خزر دارند. ترکمنستان 9/4 درصد از ذخایر را دارد. جمهوری آذربایجان و قزاقستان هم بقیه سهام ذخایر گاز منطقه را در اختیار دارند (اطاعت و نصرتی، 1382). جدول 1 آمار ذخایر نفت و گاز منطقه خزر را نشان می‌دهد.

جدول 1. آمار ذخایر نفت و گاز منطقه خزر (EIA, 2016)

کشورها	نفت خام (میلیارد بشکه)	گاز طبیعی (تریلیارد متر مکعب)
جمهوری آذربایجان	0/7	1/2
ایران	157/8	34
قزاقستان	30/0	1/5
روسیه	103/2	32/6
ترکمنستان	0/6	17/5
مجموع	298/6 (46/4 درصد از کل ذخایر جهان)	86/6 (17/6 درصد از کل ذخایر جهانی)
جهان	17001/1	187/1

آسیای مرکزی

آسیای مرکزی سرزمین پهناوری در قاره آسیا است که هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد. اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است؛ اما معمولاً آن را دربرگیرنده کشورهای امروزی، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان می‌دانند. روسیه نیز شامل آسیای مرکزی می‌شوند. این منطقه از شمال به روسیه، از جنوب به ایران و افغانستان، از شرق به چین و از غرب به دریای خزر متصل است (ممتاز و همکاران، 1401).



شکل 4. نقشه موقعیت کشورهای آسیای مرکزی

(برگرفته از سایت <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2006419>)

یافته‌ها

ایران با برخورداری از این موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان و تجربه طولانی در حوزه انرژی و موقعیت جغرافیایی مناسب، در دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، در صورت پیگیری الگویی از دیپلماسی انرژی فعال، به‌ویژه با نظر به بازارهای بالقوه آینده در کشورهای در حال توسعه، از امکان ایجاد پیوند میان منابع انرژی خود با طیف متنوعی از مصرف‌کنندگان آسیایی، اروپایی و آفریقایی برخوردار است. موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی است. ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند (صادقی، 1392).

مهم‌ترین مؤلفه ژئوپلیتیکی منطقه خزر، اهمیت ژئواکونومیک آن است که بیش از هر چیز به ذخائر و منابع انرژی آن باز می‌شود. موقعیت ژئوپلیتیکی و بحران‌های منطقه‌ای، ناحیه‌های متزلزل و بی‌ثبات و شرایط سرمایه‌گذاری، نگرانی‌های زیست‌محیطی، وضعیت حقوقی نامشخص این دریا، هم‌چنین نبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ازجمله چالش‌های هستند که کشورهای حوزه دریای خزر با آن روبه‌رو هستند. این موضوع‌ها با در نظر گرفتن این حقیقت مشکل و سخت می‌شود که مسیرهای خط لوله می‌تواند با کشمکش‌های منطقه‌ای قطع شود. این حوزه، توجه کشورهای چندی از جمله آمریکا، اسرائیل، اتحادیه اروپا، چین، ترکیه را به خود معطوف نموده است. رقابت‌های عمده در این منطقه بیشتر میان کشورهای روسیه، ایران، آمریکا و ترکیه است.

سیاست آمریکا و نفت و گاز حوزه دریای خزر

آمریکا در برخورد با محیط پدیدآمده پس از جنگ سرد سعی کرد تا ساختار سیاسی جهان را تحت عنوان نظام نوین بین‌المللی و جهانی پایه‌ریزی کند. در این سناریو، آمریکا جهان ژئوپلیتیک را چنین تصویر نموده است که در قرن 21 ذخائر و منابع انرژی کمیاب، تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده هستند و کنترل بر انرژی، کنترل بر نظام بین‌المللی و جهانی خواهد بود (سیفی، 1401). در همین راستا، آمریکا آماده است تا دو منطقه از جهان را جدا کند و اعلام کرد که این دو منطقه، تأمین‌کننده اصلی انرژی مورد نیاز قرن 21 خواهند بود و کنترل بر این دو منطقه (خلیج فارس و دریای خزر) کنترل بر جهان است.

آمریکا به‌صورت همه‌جانبه از دالان ترانزیتی شرق به غرب حمایت می‌کند. برای این اساس، عمده انرژی منطقه خزر از طریق خط لوله نفت و گاز به پایانه‌های ترکیه و از آن‌جا به بازارهای بین‌المللی و جهانی انتقال خواهند یافت. نظریه دالان شرقی-غربی به منظور پرهیز از گزینه‌های ایران و روسیه مطرح شدند (صادقی، 1392). از نظر آمریکا انتقال نفت و گاز از طریق روسیه، موجب برخورداری این کشور از توان قابل ملاحظه‌ای برای اعمال فشار بر کشورهای منطقه می‌شود. احداث خط لوله از ایران نیز به دلیل اختلافات سیاسی با ایران و تقویت خلیج فارس با سیاست کلی آمریکا مخالف است.

سیاست روسیه و نفت و گاز خزر

روسیه به عنوان یک بازیگر مهم در بازارهای انرژی جهان در سال‌های اخیر به‌دنبال استفاده ابزاری و سیاسی از عامل انرژی برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود بوده است و این استفاده ابزاری هم در ارتباط با اروپا و هم در ارتباط با همسایگان یعنی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است. روسیه از موقعیت مسلط انرژی و ژئوپلیتیک خود برای کسب

متحد، مجازات کردن رقبا و نیز مسائل انتخاباتی در کشورهای دیگر و کسب امتیازهای اقتصادی بهره می‌گیرد (Proedrou, 2018).

هرچند اکنون برداشت عمومی از روابط روسیه با ایران، روابطی بسیار همگرا است، اما واقعیت‌های تاریخی در مورد روابط مسکو و تهران، نشان‌دهنده رابطه‌ای پیچیده همراه با فراز و فرود بسیار و وابسته به عوامل و مؤلفه‌های گوناگون دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است. منافع روسیه در منطقه دریای خزر، از دو جهت، یکی به عنوان یک کشور ساحلی و یکی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای وجود دارد.

این کشور بعد از فروپاشی به دلیل اولویت روابط و مناسبات با غرب در سیاست خارجی خود، برای مدت کوتاهی به حوزه دریای خزر توجهی نداشت. اما با کشف ذخائر و منابع جدید انرژی و اهمیت یافتن موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه که در مسیر اروپا، آسیا و خاورمیانه قرار گرفته، نقش مهمی که در ایجاد توازن قدرت در جهان دارد و همچنین توجه جهان غرب و در رأس آن آمریکا به این حوزه و انعقاد چندین قرارداد مهم نفتی با جمهوری‌های ساحلی، دولتمردان روسیه را سخت نگران کرده است. در حال حاضر، هدف اصلی روسیه کنترل انتقال انرژی به اروپاست. بخش بزرگی از سوخت اروپا از روسیه تأمین می‌شود. با مهار گرجستان، بخش بزرگی از انرژی اروپا، در دست روسیه متمرکز خواهد شد. روسیه با بهره‌گرفتن از حربه سوخت به‌ویژه در زمستان، برای تنبیه مخالفان سیاسی، ابایی نداشته است و غربی‌ها به‌خوبی می‌دانند که مسیر جنوبی و ایران، تنها مسیری است که می‌تواند نفت و گاز مورد نیاز اروپا را بدون نیاز از مرزهای روسیه به آنجا انتقال دهد.

موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک ایران در زمینه تبادل انتقال انرژی حوزه دریای خزر

ظرفیت‌های بالقوه جغرافیایی ایران به‌عنوان تنها کشور ارتباط‌دهنده دو انبار تأمین‌کننده انرژی قرن 21، یعنی خلیج فارس و دریای خزر، امکان به‌دست‌آوردن نقش عمده‌ای در ژئوپلیتیک بین‌المللی و جهانی قرن 21 در اختیار ایران می‌گذارد (جعفری و جانباز، 1397). آمریکا سعی کرده است تا با اتخاذ سیاست انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر از مسیرهای مورد علاقه خود، رویکرد دیگری بر مبنای رقابت با روسیه و مقابله با انتقال انرژی از مسیر ایران را تدوین نماید. آمریکا با دیدگاه چند لوله‌ای جهت انتقال انرژی موافق ولی کماکان با انتقال انرژی نفت از طریق ایران مخالف است و عنوان می‌نماید که با سیاست دروازه‌بانی انرژی در منطقه که ایران به‌دنبال آن است و برای امنیت انرژی ایالات متحده آمریکا تهدید جدی به‌شمار می‌رود صریحاً مخالف است. از این‌رو آمریکا درصدد بوده تا از طریق لوله‌های نفت تحریم‌های اقتصادی و میدان

دادن به نمونه‌های جایگزین سیاسی و ایدئولوژیک نظیر ترکیه بهره‌مندی ایران را از حوزه دریای خزر به حداقل برساند (میراشرفی، کیانی و شیرخانی، 1397).

ایالات متحده برای پیگیری یک طرح کلی جایگزین برای صادرکردن نفت و گاز خزر، در مسیرهایی شامل مسیر باکو-جیحان از طریق گرجستان و ترکیه، مسیر ترکمنستان-پاکستان از طریق افغانستان، مسیر گرجستان-روسیه از طریق چین و همچنین خط لوله زیر دریا بین ترکمنستان و آذربایجان به‌طور گسترده‌ای سرمایه‌گذاری کرد. دراین میان خط لوله باکو-جیحان را باید سیاسی‌ترین خط لوله نفت جهان و نماد حاکمیت سیاست بر اقتصاد دانست که با حمایت سیاسی و مالی گسترده آمریکا، تنها برای حذف ایران از بازار انتقال انرژی منطقه ساخته شده است.

نگاهی به مسیرهای انتقال انرژی حوزه دریای خزر نشان می‌دهد که همچنان مسیر شرقی (چین) به دلیل طولانی‌بودن و پرهزینه بودن، مسیری غیر اقتصادی است. مسیر جنوب شرقی نیز به دلیل اختلاف‌های داخلی در افغانستان و نیز نبود زیرساخت‌های مناسب و دسترسی نداشتن افغانستان به آب‌های آزاد، نمی‌تواند به‌عنوان مسیری مطمئن مورد استفاده قرار گیرد و خط لوله باید از پاکستان بگذرد تا به آب‌های آزاد یا هندوستان برود. مسیر غربی نیز به این دلیل که از یک طرف از منطقه متشنج قره‌باغ و مناطق کردنشین ترکیه عبور می‌کند و از طرف دیگر، منطقه زلزله‌خیزی است که امنیت سرمایه‌گذاری را به خطر می‌اندازد و همچنین به دلیل طولانی‌بودن مسیر، نیاز به سرمایه‌گذاری کلانی دارد، به‌طوری که خط لوله باکو-تفلیس-جیحان سرمایه‌گذاری 4 میلیارد دلاری در بر داشته است و به همین دلیل عوارض ترانزیت از این مسیر، بالا می‌رود.

بدون تردید ذخائر و منابع انرژی حوزه خزر و انتقال آن، سبب رقابت میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است و عامل مهمی در شکل‌گیری استراتژی‌ها و سیاست‌های ژئوپلیتیکی در این حوزه شمرده می‌شود که می‌توان آن را سیاست خطوط لوله نامید. تعیین رژیم حقوقی این دریا (سیفی، 1401) همچنان مهم‌ترین چالش میان کشورهای ساحلی است. امروزه بسیاری عوامل در این منطقه وجود دارند که توانسته‌اند زمینه‌های همگرایی را میان کشورهای ساحلی افزایش دهند. همکاری میان کشورهای حوزه دریای خزر در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و غیره می‌تواند نقشی مهم ایفا کند و دارای اثرات مهم برای مردم و کشورهای منطقه باشد.

مهم‌ترین نکته در مورد همکاری‌های اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر می‌تواند در تعاملات اقتصادی جهان، مرز مشترک با اروپا، خلیج فارس، هند و چین باشد. باتوجه‌به جغرافیای سیاسی و اقتصادی این منطقه در جغرافیای بین‌المللی و جهانی می‌توانند در جامعه

بین‌المللی و جهانی نقش‌آفرین باشند و می‌توانند به یک قطب اقتصادی بین‌المللی و جهانی بدل شوند (Kreutz, 2002). به دلیل وجود ذخایر و منابع هیدروکربنی در این منطقه و میادین مشترک کشورهای حوزه دریای خزر، کنسرسیوم‌های مشترک انرژی می‌توانند نقش مهمی ایفا و زمینه ارتباط را فراهم کنند و لذا همکاری‌های منطقه‌ای در بخش انرژی یک راهبرد مهم تلقی می‌شود. همچنین تشکیل مناطق آزاد، توریسم، کشاورزی، همکاری‌های حمل‌ونقل و بنادر، همکاری‌های امنیتی در خزر و همچنین همکاری‌های فرهنگی و علمی مهم‌ترین راهبردهای توسعه روابط و مناسبات میان کشورهای ساحلی است (ابوالحسن شیرازی و مجیدی، 1382).

متأسفانه بسیاری عوامل باعث شده تا کشورهای همجوار خزر نتوانند به هم نزدیک شده و در قالب‌های مختلف فعالیت کنند. بخشی از این عوامل واگرا و بخشی تاریخی و بخشی اکتسابی هستند. نفوذ قدرت‌های خارجی در این منطقه، تعیین‌نشدن رژیم حقوقی دریای خزر، منازعات منطقه‌ای و قومی، اختلافات میان کشورهای حوزه، مسائل زیست‌محیطی، هژمونی آمریکا در منطقه، تسلیحات هسته‌ای و نفوذ رژیم اشغالگر قدس بر روابط و مناسبات سرد کشورها سایه انداخته است (ابوطالبی، 1378).

حوزه دریای خزر با موقعیت خاص جغرافیایی خود دریایی بسته به شمار می‌رود. دور بودن این منطقه از بازارهای بین‌المللی و جهانی و محصور بودن آن‌ها در خشکی سبب شده تا وابستگی کشورها به مسیر انتقال انرژی پدید آید که بر ژئوپلیتیک منطقه اثرگذار است؛ یعنی چگونگی انتقال انرژی از یک موضوع بازرگانی و اقتصادی به موضوعی سیاسی و ژئواستراتژیک، راهبردی و حیاتی تبدیل شده است (افشردی، 1381).

مهمترین مسیرهای انتقال انرژی در حوزه دریای خزر

مسیر شمالی

خط مذکور که در قزاقستان به خط لوله روسیه نیز شهرت دارد، در سال 1970 احداث شده و اکنون نیز فعال است. طول این خط لوله، 1280 کیلومتر است که ظرفیت سالانه آن انتقال 30 میلیون تن نفت می‌باشد و برای ساخت مسیرهای جدید رقمی را بین 3/8 تا 4/5 میلیارد دلار تخمین زده‌اند. این خط از آذربایجان و قزاقستان شروع شده و با عبور از روسیه به بندر نوروسیسک در ساحل دریای سیاه می‌رسد. از آن‌جاکه نزدیک به 30 سال از عمر این خط لوله می‌گذرد، کاملاً فرسوده شده و این احتمال وجود دارد که خط لوله دیگری در مسیر فوق ساخته شود. در حال حاضر خطوط قدیمی در اتحاد جماهیر شوروی سابق نفت آذربایجان و قزاقستان را به بازارهای جهانی منتقل می‌کنند.



شکل 5: خطوط لوله نفت و گاز در آسیای مرکزی و منطقه خزر

(برگرفته از سایت موسسه مطالعات راهبردی شرق <https://www.iess.ir/fa/translate/1633>)

مسیر شرق و جنوب شرقی

مسیر شرقی (چین) به دلیل طولانی بودن و پرهزینه بودن مسیری غیراقتصادی است. مسیر جنوب شرقی نیز به دلیل اختلاف‌های داخلی در افغانستان و نیز نبود زیرساخت‌های مناسب و دسترسی نداشتن افغانستان به آب‌های آزاد، نمی‌تواند به‌عنوان مسیری مطمئن مورد استفاده قرار گیرد و خط لوله باید از پاکستان بگذرد تا به آب‌های آزاد یا هندوستان دست یابد.

مسیر غربی

مسیر غربی نیز به این دلیل که از یک طرف از منطقه متشنج قره‌باغ و مناطق کردنشین ترکیه عبور می‌کند و از طرف دیگر، منطقه زلزله‌خیزی است که امنیت سرمایه‌گذاری را به خطر می‌اندازد و همچنین به دلیل طولانی بودن مسیر، نیاز به سرمایه‌گذاری کلانی دارد، به‌طوری‌که خط لوله باکو-تفلیس-جیهان سرمایه‌گذاری چهار میلیارد دلاری لازم داشته و به همین دلیل عوارض ترانزیت از این مسیر، بالا می‌رود (امیراحمدیان، 1373).

مسیر جنوبی

قرارگیری ایران در مرکز بیضی استراتژیک، راهبردی و حیاتی انرژی (نفت و گاز) و نقش محوری ایران در منطقه اتصال قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا باعث شده که ایران از نظر اقتصادی و جغرافیایی (طبیعی و انسانی) منطقه‌ای حیاتی و مرکزی و نیز کانونی ترانزیتی برای خشکی‌های جهان به شمار می‌آید. این موقعیت ایران در منطقه ایجاب می‌کند که شاهراه‌های اصلی انتقال انرژی از مسیر این کشور عبور کند؛ به‌ویژه با علم به اینکه ترانزیت هر یک میلیون بشکه نفت در روز، درآمدی معادل یک میلیارد دلار در سال را برای این کشور به

ارمغان می‌آورد (قالیباف و پوینده، 1386). در بعد امنیت انرژی نیز، به دلیل اتصال خطوط لوله‌های انتقال انرژی کشورهای منطقه به خطوط لوله ایران، ارتقای امنیت ملی را در پی خواهد داشت. علاوه بر این، با استفاده از موقعیت ترانزیتی ایران می‌تواند با برقراری تعامل و پیوندی عمیق بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آسیایی به‌عنوان حرکتی اقتصادی در جهت امنیت و منافع ملی گام بردارد و وزن خود را در حیات سیاسی و اقتصادی جهان افزایش دهد (ملی و همکاران، 1403). لیکن با نگاه به خطوط یادشده مشاهده می‌شود که نه‌تنها این هدف برای ایران بسیار دور از دسترس شده بلکه بسیاری از توانمندی‌های جغرافیایی (طبیعی و انسانی) آن را نیز دچار چالش شده است (جعفری و ذوالفقاری، 1392).

آمریکا و انتقال انرژی از دریای خزر

باوجود این‌که ایران از خطوط لوله انتقال جنوبی از طریق ایران حمایت می‌کرد، این خط انتخاب نشد. فرض می‌شود که این خط لوله از ایران عبور می‌کرد، در آن صورت امنیت منطقه و قفقاز به امنیت ایران گره می‌خورد و این موضوع به‌شدت مورد نگرانی ایالات‌متحده و حتی روسیه بود. از ویژگی‌های سیاسی کرویدور انرژی باکو-تفلیس-جیپهان برای آمریکا، بدان جهت دارای اهمیت است که آمریکا با احداث این خط لوله اهداف سیاسی را تعقیب می‌نماید. این استدلال با نگاه به اینکه آمریکا در پشت حمایت از بیشتر خطوط لوله‌های انتقال انرژی این منطقه قرار دارد منطقی می‌نماید (Bashirov, 2023).

به‌طورکلی هدف آمریکا از این بازی، حضور در منطقه قفقاز و تسلط بر حیات سیاسی، اقتصادی منطقه و به‌نوعی مدیریت آن است. از این راه علاوه بر آنکه نفوذ روسیه را به چالش می‌کشد، ایران را هم از موقعیت ممتاز طبیعی و استراتژیک، راهبردی و حیاتی منطقه‌ای خود محروم می‌سازد. این در حالی است که مسیر ایران برای کریدورهای قفقاز چند امکان مطلوب دارد. همچون مواردی مانند کریدورها تنها از یک کشور می‌گذرند؛ از امنیت بیشتری برخوردار خواهند بودند؛ وصل مستقیم به دریای آزاد می‌شوند؛ علاوه بر بازار غرب، بازار شرق را نیز در اختیار کشورهای مبدأ قرار می‌دهد که مسیرهای فعلی از آن مستثنا هستند (رام، 1387).

همچنان که برژینسکی می‌گوید: از زمان شکل‌گیری نظام دولت-ملت در سال ۱۶۴۸ تاکنون، اوراسیا کانون سیاست بین‌الملل بوده است. طی جنگ سرد آمریکا در راستای استراتژی کانتینمنت جهت مهار شوروی اقدام به شکل‌دهی یک سلسله از ترتیبات امنیتی نموده بود. به نظر می‌رسد این استراتژی، این بار در کشورها و سرزمین‌های اطراف روسیه، یکی از کشورهایی که احتمال هم‌آوردی آن با آمریکا می‌رود، مدنظر کاخ سفید قرار گرفته است (طباطبایی، 1383)؛ از این طریق کاخ سفید در نظر دارد تا با نفوذ و تثبیت موقعیت خود در منطقه و

حمایت از کریدورهای موجود با وجود صرف اقتصادی اما در نبود امنیت، ضمن کامل کردن حلقه محاصره ایران و روسیه، در استراتژی خورشید تابان هم که اصول آن بر حضور امریکا در مناطق جغرافیای با هدف تضمین هژمونی آمریکاست، موفقیت حاصل کند. این در حالی است که با این عمل امنیت منطقه و بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از این‌رو، می‌توان گفت که واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی مناسبات قدرت در منطقه به‌گونه‌ای است که به‌هیچ‌وجه با بسیاری از کدهای ژئوپلیتیکی تعریف‌شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هماهنگی و مطابقت ندارد (علویان و کوزه‌گر کالجی، 1388). به عبارتی، با مشاهده روندهای موجود و حاکم بر منطقه، ایران نه‌تنها به لحاظ ژئوپلیتیک در حوزه انرژی در منطقه سرآمد نیست، بلکه به علت حضور و نفوذ رقبای قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بسیاری از فرصت‌ها و مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک (یا بُعد اقتصادی ژئوپلیتیکی) خود را از دست خواهد داد.

ایران و طرح‌های انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر

ایران به دو روش زیر می‌تواند از ظرفیت خود در این زمینه استفاده کند: یکی روش معاوضه یا سواپ و دیگری روش انتقال مستقیم.

الف) روش انتقال مستقیم: در این روش خط لوله ایجاد می‌شود و نفت کشورهای حاشیه خزر را به منطقه خلیج فارس منتقل می‌کند.

ب) سواپ نفت خزر: سواپ یا همان معاوضه نفت است که ایران در شمال نفت را دریافت و به مصرف داخلی خود می‌رساند و در خلیج فارس به همان میزان دریافتی و برآورد ارزش، نفت خام را تحویل کشورهای طرف معامله خواهد داد، این طرح با علاقه‌مندی و استقبال قزاق‌ها و ترکمنستان مواجه شد؛ اما مسئله اصلی در این زمینه به مخالفت قدرت‌های فرامنطقه‌ای غرب و در صدر آن امریکا بر می‌گردد (گل‌کرمی و کرد، 1403).

تطبیق و تحلیل طرح‌های انتقال انرژی در کتاب‌های درسی جغرافیا

کتاب‌های درسی جغرافیا و مطالعات اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال مفاهیم بنیادین فضایی، سیاسی و اقتصادی به نسل‌های آینده، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به درک دانش‌آموزان از جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها و مناطق راهبردی دارند. حوزه دریای خزر به دلیل برخورداری از ذخایر عظیم انرژی و موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک، از جمله موضوع‌هایی است که انتظار می‌رود در محتوای آموزشی این کتاب‌ها مورد توجه قرار گیرد. باین‌حال، بررسی تطبیقی محتوای کتاب‌های درسی جغرافیا و مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که طرح‌های انتقال انرژی از دریای خزر، غالباً به‌صورت محدود، کلی و توصیفی مطرح شده و کمتر به ابعاد تحلیلی، رقابتی و راهبردی آن پرداخته شده است.

در کتاب‌های جغرافیای دوره متوسطه، دریای خزر معمولاً در چارچوب معرفی موقعیت طبیعی، همسایگان، منابع اقتصادی و اهمیت شیلاتی و نفتی آن بررسی می‌شود. در این میان، اشاره به وجود منابع نفت و گاز و نقش این دریا در تأمین انرژی منطقه‌ای دیده می‌شود، اما مسیرهای انتقال انرژی، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و نقش ایران در این شبکه انتقال، اغلب به صورت گذرا و بدون تحلیل عمیق بیان می‌گردد. این در حالی است که در ادبیات ژئوپلیتیک انرژی، «سیاست خطوط لوله» یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال قدرت و نفوذ در منطقه خزر به شمار می‌رود و حذف یا کم‌رنگ کردن نقش ایران در این سیاست، پیامدهای اقتصادی و امنیتی قابل توجهی دارد (جغرافیای پایه دهم).

در کتاب‌های مطالعات اجتماعی، به ویژه در مباحث مرتبط با همکاری‌های منطقه‌ای و اقتصاد جهانی، موضوع انرژی بیشتر از منظر کلی وابستگی کشورها به منابع انرژی و نقش آن در توسعه اقتصادی مطرح می‌شود (مطالعات اجتماعی پایه هفتم، هشتم و نهم). هرچند به اهمیت انرژی در کشورها اشاره می‌شود، اما نمونه‌های عینی از جمله طرح‌های انتقال انرژی دریای خزر یا مسیرهای انتقال به سایر کشورها و منافع متعارض بازیگران مختلف کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، محتوای آموزشی بیشتر بر جنبه‌های نظری و عمومی تأکید دارد و از پرداختن به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی پیچیده منطقه خزر، از جمله رقابت آمریکا، روسیه، ایران و ... فاصله می‌گیرد.

در تطبیق محتوای کتاب‌های درسی با واقعیت‌های ژئوپلیتیکی مطرح‌شده در پژوهش‌های دانشگاهی، می‌توان گفت که مسیرهای انتقال انرژی خزر در کتاب‌های درسی عمدتاً فاقد تحلیل مقایسه‌ای هستند. به عنوان نمونه، مسیر جنوبی از طریق ایران که از نظر اقتصادی، امنیتی و کوتاه بودن مسیر، مزیت‌های قابل توجهی دارد، در کتاب‌ها دیده نشده و پیامدهای سیاسی حذف ایران از کریدورهای انرژی منطقه‌ای مورد بحث قرار نمی‌گیرد. این امر سبب می‌شود دانش‌آموزان درک کاملی از نقش بالقوه ایران به عنوان حلقه اتصال دریای خزر به آب‌های آزاد و بازارهای جهانی به دست نیاورند.

از سوی دیگر، کتاب‌های درسی کمتر به تأثیر تعیین‌نشدن رژیم حقوقی دریای خزر بر طرح‌های انتقال انرژی اشاره می‌کنند. در حالی که این مسئله یکی از مهم‌ترین موانع حقوقی و سیاسی در اجرای خطوط لوله و همکاری‌های انرژی میان کشورهای ساحلی است، در محتوای آموزشی غالباً به صورت یک موضوع کلی و بدون پیوند با منافع ملی و منطقه‌ای ایران مطرح می‌شود. این رویکرد توصیفی، مانع از شکل‌گیری نگاه انتقادی و تحلیلی در میان دانش‌آموزان نسبت به تحولات انرژی و سیاست بین‌الملل می‌گردد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که شکاف معناداری میان محتوای کتاب‌های درسی و واقعیت‌های ژئواکونومیک منطقه خزر وجود دارد. در حالی که در پژوهش‌های علمی، انرژی به‌عنوان ابزار قدرت، عامل همگرایی یا واگرایی و محرک اصلی رقابت‌های ژئوپلیتیکی معرفی می‌شود، در کتاب‌های درسی این موضوع بیشتر به‌عنوان یک منبع اقتصادی ساده و خنثی تلقی می‌گردد. نتیجه این امر، کاهش توان تحلیلی دانش‌آموزان در فهم مناسبات پیچیده منطقه‌ای و جهانی در آینده خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه دانش جغرافیا به‌عنوان پلی میان علوم طبیعی و انسانی شناخته می‌شود که به سبب همین ماهیت بین رشته‌ای خود می‌تواند بستری مناسب جهت کاوشگری و بررسی مسایل مختلف محیطی و اجتماعی در میان محققان را فراهم آورد. از سوی دیگر آموزش صحیح علم جغرافیا به‌عنوان یکی از انواع دانش که در تفسیر جهان به ما کمک می‌کند، قادر است درک فرآیندهای اجتماعی-اقتصادی را نیز برایمان فراهم کند و با آموزش مسائل مختلف اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی و ... در یک روش انتقادی، به ما کمک کند تا پیچیدگی‌های محیط اطراف مان را درک کنیم. یکی از مولفه‌ها و مسائل مهم مورد مطالعه در این علم، وجود منابع انرژی و پراکندگی آن در سطح زمین است. همین امر سبب بروز رقابت‌های ژئوپلیتیک بین روسیه، آمریکا و تا حدودی کمتر چین برای کنترل و دستیابی به ذخایر و منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن، تبدیل انرژی به اولویت اول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابط و مناسبات با کشورهای همسایه و مناطقی همچون خاورمیانه (جنوب غرب آسیا) و آسیای مرکزی و قفقاز است.

نمونه بارزی از این رقابت، حوادث و سپس به مخاطره افتادن انتقال انرژی عظیم منطقه قفقاز و دریای خزر به بازارهای بین‌المللی و جهانی در جریان بحران اوت ۲۰۰۸ در گرجستان است. خط لوله باکو - تفلیس - جیهان، مهم‌ترین خط لوله‌ای است که به دلیل عبور بخشی از آن (۵۵ کیلومتر) از منطقه جدایی‌طلب اوستیای جنوبی با خطر مواجه شده است. خط لوله‌ای که با فشار ایالات متحده و با هدف منزوی کردن ایران کشیده شده است. در خلال بحران اخیر اقتصادی، آذربایجان طی سه هفته یک ضرر یک میلیارد دلاری را متحمل شد.

این وضعیت فرصت بزرگی پیش روی بخش انرژی ایران قرار داده است و در صورت طراحی و اجرای یک برنامه مناسب می‌توان از گنجایش خطوط نکاری (برای سوآپ نفت در جنوب) و نیز خط لوله گاز نابکو از مسیر ترکمنستان - ایران - ترکیه و نیز خط لوله گاز قزاقستان - ترکمنستان - ایران و دیگر خطوط انتقال انرژی در راستای تأمین منافع ملی گام برداشت. با

توجه به این شرایط است که اروپا پس از بحران قفقاز به‌طور ویژه‌ای متوجه گاز ایران شده است. در حقیقت اروپا برای رهایی از وابستگی به گاز روسیه قصد دارد به ذخایر و منابع جدید گازی دست یابد. برخی از کارشناسان غربی از جمله ولادیمیر سوکور، تأکید می‌کنند که وقت آن فرا رسیده است اتحادیه اروپا به اهمیت دسترسی به نفت حوزه شرق دریای خزر و ایران پی ببرد. به نظر او این موضوع می‌تواند در رهایی اروپا از وابستگی به گاز روسیه کمک کند. با اینحال، منطقه دریای خزر صفحه شطرنج کشورهای روسیه، ایران، ترکیه و آمریکا است. روسیه سعی دارد همچنان مهم‌ترین بازیگر در حوزه بازی نفت خزر باقی بماند. این کشور با کنترل خطوط لوله خروجی نفت منطقه سراسر دریای سیاه، سعی دارد تا برتری سیاسی خود را از طریق آماده‌سازی امنیت نظامی و رقابت اقتصادی در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در چارچوب کشورهای مشترک‌المنافع بازگرداند. ایران در کنار چالش‌های بزرگی که در بحث انتقال انرژی به‌ویژه در مواجهه با ایالات متحده روبه‌روست، فرصت‌ها و گنجایش‌های ارزشمندی نیز دارد که بخش بزرگی از آن ناشی از مبادرت دور جدیدی از جنگ سرد بین روسیه و جهان غرب است. بدون تردید در صورت یک برنامه‌ریزی مناسب و هدفمند می‌توان حداکثر بهره‌برداری را در راستای تأمین منافع ملی از وضعیت موجود به عمل آورد.

مدل 1، مدل ارایه پیشنهادات (نگارندگان)



در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران با جود همه کارشکنی‌ها به‌عنوان بخشی از تصویر آینده انرژی باقی می‌ماند و به‌عنوان نقش ایفاکننده برتر موقعیت ژئوپلیتیکی انرژی دریای خزر، باید به سمتی حرکت کند که توسط همه بازیگران به‌عنوان حلقه ارتباط‌دهنده دریای خزر به خلیج فارس شناخته شود. تردیدی نیست که آماده‌سازی این شرایط

از سوی ایران به گنجایش چانه‌زنی در بازار بین‌المللی و جهانی انرژی و اقتصاد می‌افزاید و نقش این کشور را در ترسیم خط‌مشی‌ها و سیاست‌های منطقه و جهان برجسته می‌کند. علاوه، بازنگری محتوای کتاب‌های درسی آموزش جغرافیا و مطالعات اجتماعی با تأکید بر تحلیل طرح‌های انتقال انرژی دریای خزر، تبیین نقش ایران در کریدورهای انرژی و بررسی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چنین رویکردی می‌تواند ضمن ارتقای سواد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی دانش‌آموزان، در بلندمدت به تقویت درک ملی از جایگاه راهبردی ایران در معادلات انرژی منطقه‌ای و جهانی منجر شود. براین اساس پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌ها تغییر یافته و در آن تجدید نظر شود تا کشور ایران بتواند از قابلیت‌ها و موقعیت‌ها به نفع مردم استفاده کند و مشکلات معیشتی و اقتصادی کشور مرتفع شود.

در راستای این پژوهش پیشنهاد می‌شود فعالیت‌های زیر صورت گیرد:

- تقویت آموزش جغرافیا و ژئوپلیتیک انرژی در نظام آموزشی کشور، به‌ویژه در مقاطع متوسطه و آموزش عالی، با هدف افزایش آگاهی دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به ظرفیت‌های جغرافیایی، انرژی و ترانزیتی کشور و تربیت نیروی انسانی متخصص و نخبه برای ایفای نقش مؤثر در آینده توسعه ملی.

- تشکیل و حمایت از تیم‌ها و کارگروه‌های تخصصی میان‌رشته‌ای متشکل از نخبگان دانشگاهی، کارشناسان فنی، اقتصاددانان انرژی و متخصصان روابط بین‌الملل، به‌منظور آسیب‌شناسی جامع وضعیت انرژی دریای خزر، بررسی مسیرهای انتقال و ارائه راهکارهای عملی برای بهره‌برداری بهینه از مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران.

- گسترش و تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای از طریق سازوکارهای چندجانبه و دوجانبه با کشورهای ساحلی دریای خزر و آسیای مرکزی، با هدف ایجاد همگرایی اقتصادی، کاهش تنش‌های سیاسی و فراهم‌سازی بسترهای لازم برای اجرای پروژه‌های مشترک انرژی و ترانزیت..
- اتخاذ رویکردی آینده‌نگرانه در سیاست خارجی و دیپلماسی انرژی همراه با برنامه‌ریزی دقیق، واقع‌بینانه و مبتنی بر ورزیدگی دیپلماتیک، به‌منظور ارتقای شرایط تعاملی کشور و فراهم‌سازی امکان بهره‌مندی مؤثر ایران از موقعیت جغرافیایی ممتاز و راهبردی خود در اتصال دریای خزر به آب‌های آزاد.

- اتخاذ سیاست متعادل و کم‌تنش در توسعه همکاری‌های اقتصادی و انرژی با تمرکز بر منافع ملی و منطقه‌ای و پرهیز از غلبه ملاحظات ایدئولوژیک بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، به‌گونه‌ای که زمینه‌ساز افزایش اعتماد متقابل و دستیابی به منافع پایدار برای کشور شود.

● بهره‌برداری هدفمند از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ایران در تبادل انرژی با جمهوری‌های حاشیه دریای خزر به‌عنوان واقعیتهای غیرقابل‌انکار در معادلات انرژی منطقه‌ای، به‌گونه‌ای که با وجود فشارها و کارشکنی‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ایران بتواند جایگاه خود را به‌عنوان حلقه ارتباطی امن و اقتصادی میان خزر و بازارهای جهانی تثبیت نماید.

● توجه ویژه سیاست‌گذاران آموزشی و مؤلفان کتاب‌های درسی جغرافیا و مطالعات اجتماعی به موضوع انرژی، دریای خزر و طرح‌های انتقال آن، به‌ویژه در بازنگری‌های آتی کتب درسی، با هدف تقویت نگاه تحلیلی، انتقادی و کاربردی دانش‌آموزان نسبت به تحولات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک منطقه.

● توانمندسازی معلمان دروس جغرافیا و مطالعات اجتماعی از طریق آموزش‌های ضمن خدمت و بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش‌های علمی، به‌منظور به‌کارگیری رویکردی جامع‌نگر، تلفیقی و مسئله‌محور در تدریس و کمک به ارتقای سطح فهم فضایی و سیاسی دانش‌آموزان.

COPYRIGHTS



©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Abbasi, F. (2021). *An overview of global water resources from a geopolitical perspective*. Geography and Human Relationships, 3(4), 424-438. doi: 10.22034/gah.zr.2021.279548.1524 (In Persian)
- Abolhasan Shirazi, H., & Majidi, M. (2003). *Politics and governance in Central Asia*. Tehran: Qomes. (In Persian)
- Abootalebi, M. (1999). *Oil and gas transmission lines in Central Asia and the Caucasus, the complexity of interests*. Central Asian and Caucasian Studies, 25, 104-93. (In Persian)
- Afshordi, M. (2002). *Caucasus geopolitics and the foreign policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Faculty of Command and Headquarters of IRGC, Research and Research Vice-Chancellor. (In Persian)
- Ahmadi-pour, Z., & Mirzaei Tabar, M. (2018). *Urban Geopolitics and Explaining the Concept of Rivalry*. Geography and Environmental Planning, 29(2), 13-34. doi: 10.22108/gep.2018.98187 (In Persian)
- Alavian, M., & Koozegar Kalji, V. (2009). *Foreign policy of the Islamic Republic of Iran and Central Asia; Platforms of convergence and areas of divergence*. Political Science, 12(46), 92-63. (In Persian)
- Amir Ahmadian, B. (1994). *Central Asia and its surroundings*. Studies of Central Asia and the Caucasus, 3(5), 37-48. (In Persian)

- Bashirov, G. (2023). *The not-so Great Game: political economy of changing US energy policy in the Caspian Sea*. *Review of International Political Economy*, 30(2), 558-583.
- EIA (2013). Overview of oil and natural gas in the Caspian Sea region. Retrieved from: https://www.eia.gov/international/content/analysis/regions_of_interest/Caspian_Sea/caspian_sea.pdf
- Eslami, M. (2012). *Iran-Russia Energy diplomacy: Grounds for Convergence and Divergence*. *Journal of strategy*, 21(64), 189-220. (In Persian)
- Estives, Martin (2015); *Citizenship Education- What geography teachers think on the subject and how they are involved?* Available online at: www.science-direct.com
- Etaat, J., Nosrati, H. R. (2009). *Iran and the energy transmission lines of the Caspian basin*. *Central Eurasia Studies*, 2(3), 1-22. (in Persian)
- Golkarami, A., & Kord, A. (2024). *Geoeconomic Explanation of the Feasibility Study of Selling Crude Oil and Gas Resources in the Governance of the Country's Progress*. *Geopolitics Quarterly*, 20(73), 240-267. doi: 10.22034/igq.2024.432922.1827 (In Persian)
- Group of authors (2024). *Geography (2) - Regional Geography*. 11th grade, Humanities. Educational Research and Planning Organization. (in Persian)
- Group of authors (2024). *Geography of Mazandaran Province*. Tenth grade, second year of secondary school. . Educational Planning and Research Organization. (in Persian)
- Group of authors (2024). *Social Studies of Mazandaran*. Seventh, Eighth and Ninth Grades, First Period of Secondary Education. . Educational Planning and Research Organization. (In Persian)
- Hosseini Sadat Mahalleh, Z., Ahmadipour, Z., Hafeznia, M. R., & (2015). *The Examination of the Pattern of Competition of the Powers in the Caspian Sea*. *Geographical Research*, 30 (118), 85-104. (in Persian)
- International Energy Agency (2022). *The Oil and Gas Industry in Net Zero Transitions*. *World Energy Outlook Special Report*.
- Jafari, A. A., & Jaanbaaz, D. (2018). *Ontological Security: An Instrument for Western Geostrategic Intervention in the Caspian Sea* (Emphasizing the Energy Issue). *Central Eurasia Studies*, 11(1), 39-58. doi: 10.22059/jcep .2018.113444.449554 (in Persian)
- Jafari, A. A., & Maleki, M. (2021). *The Iranian and Russian Foreign Policy Equation in the Caspian Energy Puzzle*. *World Politics*, 9(4), 101-134. doi: 10.22124/wp.2020.15483.2401 (In Persian)
- Jafari, A. A., & Zulfaghari, V. (2013). *Iran and Russia's Relations: Convergence or Divergence?* *Central Eurasia Studies*, 6(12), 21-40. doi: 10.22059/jcep.2013.35147 (In Persian)
- Jaffe, A. M. (2004). *The Growing Developing Countries Appetite for Oil and Natural Gas*. *Economic Perspective*, 9(2), 13-16.
- Jan Ali Akbari, A. (2011). *The location of the Caspian Sea and its global importance*. *Port and Sea*, 27(192), 18-32. (in Persian)
- Karami, J., & Azizi, H. (2013). *China's Security Relations with Central Asia: From Security Ties to "Regional Security Complexes*. *Central Eurasia Studies*, 6(12), 135-154. doi: 10.22059/jcep.2013.35156 (In Persian)

- Karimipour, Y. (2001). *An introduction to Iran and its neighbors*. Tehran: Academic Jihad of teacher training. (In Persian)
- Karimov, R., Chausovsky, E., & Makili-Aliyev, K. (2011). *The Caspian Bain: Geopolitical and the Future Balance of Power*. Baku: SAM Center for Strategic Studies.
- Latsabidze, A. (2020). *New Geopolitical Realities of the Caspian Sea Region*. Free University Journal of Asian Studies, 2. Tbilisi. <https://www.journals.org.ge/index.php/asianstudies/article/view/43>.
- Maleki, A. (2003). *Is the Caspian Sea still important for all actors?* Central Asia and Caucasus Studies, 43, 103-128. (in Persian)
- Manning, R., & Jaffe, A. (1998). *The myth of the Caspian "great game": the real geopolitics of energy*. Survival, 40(4), 112-129. <https://doi.org/10.1080/713660015>
- Meli, H. R., Mottaghi, A., Rabiei, H., & Kaviani Rad, M. (2023). Geoeconomic explanation of Silk Road and its effect on Iran's regional power. *Human Geography Research*, doi: 10.22059/jhgr.2023.357677.1008591 (In Persian)
- Mojtahedzadeh, Pirouz (2011). *Political geography and geographic politics*. Tehran: SAMT. (in Persian)
- Momtaz, D., Alizadeh, M., & Zarneshan, S. (2023). *Confrontation between Economic and Security Interests in Caspian Sea Current Legal Regime*. Journal of Legal Research, 21(52), 7-31. doi: 10.48300/jlr.2023.368314.2198 (In Persian)
- Motaghi, E., & Hematkah, M. (2008). *The Position of Iran in Energy Market of Central Asia*. Central Eurasia Studies, 1(1), 127-146. (In Persian)
- Proedrou, F. (2018). *Russian Energy and Structural Power in Europe*. Europe-Asia Studies, 70(1), 50-65. <https://doi.org/10.1080/09668136.2017.1419169>
- Qalibaf, M. B., & Pooyandeh, M. H. (2007). *The Analysis of designating The Energy Strategic Ellipse Implication to The Caspian Sea Basin and Persian Gulf*. Geopolitics Quarterly, 3(8), 62-39. (In Persian)
- Sadatian, S. J. (2020). *Caspian Sea Legal Regime and National Security of the Islamic Republic of Iran*. National Security, 9(34), 311-345. (In Persian)
- Sadeghi, S. S. (2013). *Iran and Interactions in Political Economy of Energy in Central Asia*. Central Eurasia Studies, 6(12), 95-114. doi: 10.22059/jcep.2013.351 z52 (in Persian)
- Seifi, S. J. (2022). *The Legal Regime of the Caspian Sea, Past, Present and the Future: From the Position of State Succession to the Conclusion of the 2018 Aktau Convention (Part One: State Succession)*. Journal of Legal Research, 21(49), 7-38. doi: 10.48300/jlr.2022.334451.2000 (In Persian)
- Sohrabi, A., lotfi, H., Vali shareatpanahi, M., & Hassanabadi, D. (2021). *Geopolitical rivalries of regional and international powers on the shores of the Oman Sea and its effect on Iran's development*. Geography (Regional Planning), 10(41), 631-651 (In Persian)
- Tabatabai, Z. (2004). *Geopolitical analysis of the energy transfers routes of the Caspian Sea*. Master's thesis, Tarbiat Modares University. (In Persian)
- Varzesh, E., Etaat, J., & Nosrati, H. R. (2011). *Effective factors in the non-determination of maritime border lines of Caspian coastal countries*. Strategic Scientific Quarterly, 20(6), 123-152. (in Persian).
- Yazdani, E., & Malboosbaf, M. (2008). *Projects of energy pipelines in the Caspian Sea basin*. Political-Economic Information, 250 & 249(9), 188-199. (In Persian)